

۱. مقدمه

زیارت یکی از راهکارهای ابراز محبت به اهل بیت علیهم السلام است. به تعبیری دیگر زیارت از مصادیق مودتی است که بر اساس دستور الهی در قرآن کریم، اجر رسالت و نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله برشمرده شده است. لذا زائر با زیارت مشاهد ایشان ضمن الگو قرار دادن آنها از همه آثار و برکات محبت ورزیدن نسبت به خاندان رسالت بهره‌مند می‌شود و در مسیر قرب الهی و سلوک الی الله گام می‌زند.

زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام در اندیشه اسلام شیعی از راهکارها و اعمال مورد تأکید ائمه هدی است که علاوه بر تأثیرات اعتقادی، دارای آثاری اخلاقی بر ساحت‌های نفس انسانی است که کمتر با نگاه اخلاق محور مورد پژوهش قرار گرفته است. از آنجاکه زیارت قبور ائمه هدی علیهم السلام بعضاً مورد اشکال فرقی مختلف قرار گرفته، بیشتر از نگاه کلامی بررسی شده و کمتر از جنبه‌های اخلاقی کانون توجه بوده است؛ لذا فهم آثار اخلاقی زیارت و دانستن فرایند شکل‌گیری این آثار و آسیب‌شناسی آن، در تحقق و بالندگی فضایل اخلاقی یا همان «رشد اخلاقی» نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت. لذا در این پژوهش در صدد تبیین آثار و فرایند تأثیرگذاری زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام بر ساحت‌های سه‌گانه و در نتیجه بر رشد اخلاقی هستیم.

۲. چیستی رشد اخلاقی

«رشد اخلاقی» اصطلاحی ترکیبی از دو واژه «رشد» و «اخلاق» است. مفهوم «رشد» از نظر معنایی مقابل مفهوم «غی» و به معنای اصابت به واقع، حق، صلاح و رسیدن به وسط راه است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۰).

«رشد» هدایت همراه با راه یافتن به مقصدی است که خیر و صلاح می‌باشد و در مقابل آن «غی» به معنای گمراهی و گم‌هدفی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ج ۱۲، ص ۱۶۲). لذا با توسعه در معنای رشد، رسیدن به هدفی بهره‌مند از کمال، واقعیت و صواب و حقیقت، را «رشد» گویند؛ بنابراین اولاً واژه رشد مفهومی قرآنی است که در آیات و روایات به کار رفته است؛ ثانیاً بهره‌مند شدن از کمال و صلاح، و رسیدن به واقعیت هر چیزی را «رشد» گویند؛ ثالثاً از آنجاکه کمال و واقع ذومراتب و تشکیکی‌اند، راه یافتن به هر مرتبه از کمال و حقیقت، رسیدن به مرتبه‌ای از رشد خواهد بود؛ رابعاً رشدی که در فقه اسلامی و اخلاق کاربرد دارد، در خیر و کمال غیرمادی استعمال می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳).

اما واژه «اخلاق» که بخش دوم از اصطلاح ترکیبی «رشد اخلاقی» است، از حیث معنای لغوی جمع خُلُق به معنای طبیعت و سرشت است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵۶) و مانند واژه خُلُق از اصل

تأثیر زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام بر رشد اخلاقی

سیداحمد فقیهی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

ابوالفضل عسکری / کارشناس ارشد تربیت مربی اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

askari_۸۶@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی فرایند تأثیر زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام بر رشد اخلاقی، در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که چیستی رشد اخلاقی، چرایی زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام از منظر اخلاق و اثرات زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام بر نفس و ساحت‌های آن و چگونگی این اثرگذاری را دنبال می‌کنند. رشد اخلاقی همان کمال روحی و آراستگی به فضایل اخلاقی است، که در فرایند «تربیت اخلاقی» با پاک‌سازی و تضعیف موانع و همچنین با ایجاد و تقویت عوامل در هریک از ساحت‌های بینشی، گرایشی و توانشی حاصل می‌شود. در تربیت اخلاقی، متربی نیازمند روش‌هایی است تا رشد اخلاقی را در ساحت‌های سه‌گانه تحقق بخشد، زیارت یکی از روش‌های تربیت اخلاقی است که با رفع و یا تضعیف موانعی مانند شک و تردید، دنیاگرایی و آثار ذنوب، و همچنین با ایجاد و تقویت عواملی مانند معرفت، امید، یاد خدا و ایمان موجب بالندگی در هریک از ساحت‌های بینشی، گرایشی و توانشی و سرانجام رشد اخلاقی متربی می‌شود. گفتنی است که این پژوهش به روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، اهل بیت علیهم السلام، رشد اخلاقی، بینشی، گرایشی، توانشی.

واحدی است. خلق به صفت، ویژگی و خصوصیت ظاهری اطلاق می‌شود و خلق به فضیلت، صفات، هیئت و ویژگی باطنی و نفسانی انسان (راغب‌الصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۷).

علمای اخلاق برای واژه اخلاق اصطلاحات گوناگون و تعابیر مختلفی مانند ملکات و صفات راسته نفسانی، فضیلت‌ها و نیکویی‌های اخلاقی و صفات و ویژگی‌های نفسانی را ذکر کرده‌اند و از آن معانی متفاوتی اراده نموده‌اند (مصباح، ۱۳۸۱، ص ۱۳-۱۵)؛ لیکن علامه مصباح در تعریف اخلاق توسعه‌ای می‌دهد و اخلاق را شامل ملکات و حالات نفسانی و همچنین افعالی می‌داند که رنگ ارزشی داشته باشد (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۱). لذا منظور از اخلاق و موضوع آن در این پژوهش نیز همین تعریف از اخلاق است.

بنابراین اصطلاح «رشد اخلاقی» با توجه به معانی واژگان «رشد» و «اخلاق» به معنای بالندگی و اعتلای ملکات و افعال اختیاری است. به تعبیر دیگر، اتصاف نفس به ملکات فاضله و برخورداری افعال از حسن فعلی و فاعلی که همان رسیدن به کمال وخیر و واقعیت اخلاقی است، «رشد اخلاقی» نامیده می‌شود. اصطلاح «رشد اخلاقی» و کاربرد آن به معنای رسیدن به خیر و صلاح و کمال اخلاقی، تهذیب، تزکیه نفس و آراسته شدن به فضایل اخلاقی اختصاصی به این پژوهش ندارد؛ چراکه علمای اخلاق به‌ویژه آیت‌الله مصباح، آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری در کتب تفسیری و اخلاقی و اعتقادی خویش به مناسبت طرح مسائل اخلاقی از آن استفاده کرده، و از آن ارتقا و بالندگی نفس، تکامل روحی و آراستگی به فضیلت‌های اخلاقی را اراده نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ج ۸، ص ۴۴۰؛ ج ۲۰، ص ۶۰؛ ج ۵، ص ۶۳۰؛ ج ۷، ص ۸۳؛ همو، ۱۳۸۸ ب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ همو، ۱۳۸۹ ج، ص ۱۰۵؛ ۱۳۸۹ ب، ص ۴۷؛ ۱۳۸۹ ج، ص ۲۴۳؛ مصباح، ۱۳۹۱ د، ج ۱، ص ۱۶۵؛ همو، ۱۳۹۱ الف، ص ۳۶؛ همو، ۱۳۹۰ الف، ص ۲۰؛ همو، ۱۳۹۰ ج، ص ۱، ص ۳۲۴؛ همو، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۶۶؛ همو، ۱۳۹۱ ج، ص ۲، ص ۶۵ و ۷۴؛ همو، ۱۳۸۶، ص ۲۵؛ همو، ۱۳۹۰ ب، ص ۴۳؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۱؛ ج ۱، ص ۲۶۹؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). مثلاً شهید مطهری در تشریح یکی از عادات و آداب غلط به نام «تعارف‌های دروغین» ضمن اشاره به ریشه این عادت غلط یعنی رذیله اخلاقی «نفاق و دورویی» و عدم بالندگی‌ها و فضایل اخلاقی در یک ملت، از اصطلاح «رشد اخلاقی» برای بیان مقصود خود کمک می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۶). وی همچنین صریحاً اصطلاح «رشد اخلاقی» را درباره تکامل روحی به کار می‌برد و این نکته را یادآور می‌شود که رشد واژه‌ای است که درباره تکامل روحی استفاده می‌شود، نه تکامل جسمی و این مطلب را با بیان تفاوت‌های معنایی بین دو واژه «رشد» و «رشد» یادآور می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳).

بنابراین، ضمن احتراز از معنایی که در علم روان‌شناسی و علوم تربیتی برای اصطلاح «رشد اخلاقی» ذکر می‌گردد (که بیشتر ناظر به تکامل مادی و جسمانی است)، یادآور می‌شویم که منظور از «رشد اخلاقی» در این پژوهش عبارت است از: کمال و شکوفایی نفس و ساحت‌های آن و اعتلای افعال اختیاری. البته این کمال و اعتلای نفس و افعال اختیاری، منوط به اتصاف نفس و ساحت‌های آن به ملکات فاضله و بهره‌مندی افعال اختیاری ارزشی از حسن فعلی و فاعلی است.

۳. ساحت‌های نفسانی و رشد اخلاقی

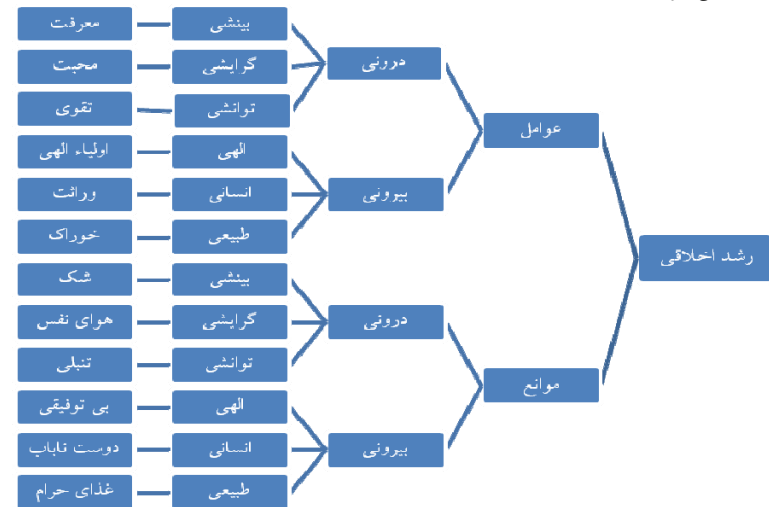
سه ساحت بینشی، گرایشی و توانشی نفس بر اساس مبانی انسان‌شناسانه و نظریه اخلاقی علامه مصباح (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۰) ضمن تأثیرگذاری بر یکدیگر موجب تکامل ملکات و افعال اختیاری در مسیر رشد و یا سقوط می‌شوند و ویژگی‌های پایدار را برای نفس به دست می‌دهند که اگر این ویژگی‌ها، مثبت و مورد هدف در اخلاق باشند، «رشد اخلاقی» تحقق یابد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵). چنان‌که گفتیم رشد اخلاقی که همان اتصاف به ملکات فاضله و افعال ارزشی اختیاری است، هدف اخلاق و مقصد مرتبی و سالک است. سالک در راه رسیدن به این هدف اعمالی را در چارچوب زدودن رذایل اخلاقی و کسب فضایل اخلاقی انجام می‌دهد. همچنین گفتیم که سه ساحت نفسانی انسان یعنی ساحت بینشی، گرایشی و توانشی، سرچشمه ملکات نفسانی و اعمال اختیاری انسان (به‌منزله موضوع اخلاق) هستند؛ بنابراین برای رسیدن به هدف اخلاق، یعنی رشد اخلاقی باید اهدافی متوسط در ساحت‌های سه‌گانه که رسیدن به آنها رسیدن به هدف اخلاق یعنی «رشد اخلاقی» است، تعریف نمود. لذا رشد اخلاقی رابطه‌ای مستقیم و علی-معلولی با رشد ساحت‌های سه‌گانه دارد، به طوری که رشد اخلاقی با رشد و بالندگی در ساحت‌های بینشی، گرایشی و توانشی نفس محقق می‌شود که آن نیز با ایجاد و یا تقویت عوامل تأثیرگذار و همچنین با تضعیف، پاک‌سازی و آسیب‌زدایی موانع حاصل می‌شود.

۴. عوامل و موانع رشد اخلاقی

به اموری که تأثیری مثبت بر رشد اخلاقی دارند و موجب کمال و بالندگی نفس و آراسته شدن به فضایل اخلاقی و افعال ارزشی می‌شوند، «عوامل رشد اخلاقی» و به اموری که تأثیر منفی دارند و موجبات سقوط اخلاقی را فراهم می‌آورند و نفس را از رذایل اخلاقی نمی‌پیرایند، بلکه آن را به آسیب‌ها و رذایل اخلاقی می‌آیند «موانع رشد اخلاقی» می‌گوییم (همان، ص ۳۷۷-۳۷۸). بنابراین مرتبی و سالک الی‌الله با ایجاد و تقویت عوامل و با تضعیف و رفع و دفع موانع در هریک از

ساحت‌های بینشی، گرایشی و توانشی، رشد اخلاقی مطلوب را محقق می‌سازد و در جهت ارتقا و بالندگی اخلاقی می‌کوشد تا مراحل کمال و خیر و صلاح اخلاقی را یکی پس از دیگری ببیند و به قله رشد اخلاقی دست یابد.

عوامل و موانع رشد اخلاقی نقشی مؤثر در هریک از ساحت‌های بینشی یا گرایشی و یا توانشی دارند. ممکن است این عوامل و موانع از درون متربی ناشی شوند یا ممکن است عوامل و موانعی باشند که در بیرون از نفس و جان متربی نقش بازی می‌کنند. لذا می‌توان عوامل و موانع رشد اخلاقی را به عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد (همان، ص ۳۹۴-۳۹۶)، بعضی از این عوامل و موانع و نمونه‌هایی از مصادیق آنها بدین قرارند:



۵. راهکارهای تحصیل رشد اخلاقی

همان‌گونه که گفتیم، موضوع علم اخلاق و مسائل اخلاقی بر اساس نظر علامه مصباح ملکات نفسانی و افعال اختیاری انسان است و مطلوب و هدف اخلاق نیز آراسته شدن نفس به فضایل اخلاقی و اتصاف افعال اختیاری انسان به حسن فعلی و فاعلی است که اصطلاحاً این مطلوب و غایت را «رشد اخلاقی» می‌گویند. لذا در بحث راهکارهای تحصیل رشد اخلاقی، به دنبال روش‌هایی هستیم که چگونگی آراسته شدن نفس به ملکات فاضله و مزین شدن افعال اختیاری انسان به حسن فعلی و فاعلی، را تبیین کنند و مقدمات آن مانند چگونگی پیراسته شدن از رذایل اخلاقی را توضیح دهند؛ که این راهکارها، روش‌هایی هستند که سلباً و یا ایجاباً بر ساحت‌های سه‌گانه بینشی، گرایشی و توانشی تأثیر می‌گذارند.

روش‌ها یا راهکارهای تحصیل رشد اخلاقی، فعالیت‌هایی هستند که ما را به غایت اخلاق می‌رساند (همان، ص ۴۴۴-۴۴۵). این فعالیت‌ها را می‌توان با توجه به ساحت‌های سه‌گانه نفس انسانی به سه دسته فعالیت‌های بینشی، گرایشی و توانشی یا روش‌های بینشی، گرایشی و توانشی تقسیم کرد (همان، ص ۴۵۳). همچنین هریک از این اقسام را می‌توان به سه دسته روش‌های زمینه‌ساز، مقدمی، روش‌های ایجاد-ایجاد و روش‌های سلبی یا همان رفع موانع تقسیم کرد (فقیهی، ۱۳۸۹).

زیارت مشاهد اهل بیت^{علیهم السلام} یکی از این راهکارها و روش‌هایی است که با تضعیف و پاک‌سازی موانع و ایجاد و تقویت عوامل در هریک از ساحت‌های سه‌گانه موجب رشد اخلاقی متربی می‌شود.

۱-۵. زیارت

واژه‌شناسان، زیارت را از ریشه «زور» دانسته و آن را به معنای دیدار و دیدن کردن از یکدیگر آورده‌اند (انیس و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸۷۳). ایشان گفته‌اند که ریشه و اصل «زیارت»، «الزور» (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۶) به معنای بالای سینه یا وسط سینه یا محل تلاقی استخوان‌های اطراف سینه است (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۳۳). به همین دلیل است که اصطلاحاً به ملاقات سینه‌به‌سینه، زیارت اطلاق می‌شود (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۶).

زیارت، از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های مورد تأکید در مکتب و مرام پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و اهل بیت^{علیهم السلام} اوست که متعلق‌های گوناگونی مانند برادر دینی، علما، قبور و مشاهد مشرفه را در مجامع روایی به خود اختصاص داده است که زیارت مشاهد مبارکه اهل بیت^{علیهم السلام} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۵، ص ۸۵) از بااهمیت‌ترین و مؤکدترین آنها به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که در بعضی از روایات از آن به عنوان عهدی که امام معصوم^{علیه السلام} بر عهده شیعیان خود دارد، یاد شده است (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۲۲).

زیارت از مصادیق مودت است و زائر از روی مودت برای زیارت اقدام می‌کند؛ پیامبر اعظم^{صلی الله علیه و آله} در روایتی در پاسخ امیرالمؤمنان^{علیه السلام} که پاداش زائر قبور ائمه اطهار^{علیهم السلام} را جویا شد، یکی از علت‌های زیارت را مودت بیان می‌دارد:

ای ابا الحسن همانا خداوند مزار تو و فرزندان را قطعه‌هایی از قسمت‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصه‌های بهشت قرار داده است و قلوب پاکان از خلقت و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق شما قرار داده است؛ درحالی که سرنش و آزار را به خاطر شما تحمل می‌کنند. پس قبور شما را آباد می‌کنند و به خاطر قرب الهی و مودت ورزیدن نسبت به رسول‌الله پیوسته به زیارت شما می‌آیند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲).

این بدان سبب است که مودت همان جاری شدن اثر محبت در افعال و رفتار انسان است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). انسان تا نسبت به کسی میل و گرایش مثبت نداشته باشد،

برای دیدار و زیارت او راهی نمی‌شود. بنابراین فعل زیارت نسبت به اهل بیت علیهم السلام از مصادیق مودت اهل بیت علیهم السلام است که بر اساس آیه «أَقُلُّ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)؛ انسان باید بر آن اهتمام داشته باشد.

تحلیل زیارت و چرایی تأثیرپذیری زائر از نفوس قدسی اهل بیت علیهم السلام در مشاهد

میرداماد یکی از تحلیل‌های عقلانی حضور نفوس قدسی اهل بیت علیهم السلام در مشاهد ایشان و اثرگذاری این ارواح مطهره بر زائر را، بر اساس اصل علل مادی و صوری اشیا تبیین می‌کند. ایشان در تحلیل و توضیح علت مادی می‌گوید: ماده برای بقا نیازمند علقه تدبیرکننده از سوی نفس است که این علقه موجب بقای اصل ماده و ابدی بودن او تا مادامی که آسمان‌ها و زمین باقی هستند، می‌گردد و همین علاقه است که بقای ماده در طول دوران‌ها را تضمین می‌کند؛ لذا هر جا جزء مادی انسان یعنی بدن باشد، به سبب حفظ بقای مادی آن، نفس نیز حاضر است و این علقه و نفس انسانی در آنجا حضوری ناظر و بالفعل دارد. لذا سر استفاده از انوار قدسی و برکات و خیرهای متعدد از نفوس اهل بیت علیهم السلام در مشاهد مشرفه، همین حضور نفس و به سبب همین علقه تدبیری مادی نفس نسبت به بدن است؛ به گونه‌ای که امام المشککین نیز به این استفاضه از انوار نورانی و با برکت حاضر در مشاهد و قبور اهل بیت علیهم السلام به صورت کلی صحه می‌گذارد (میرداماد، ۱۳۶۷، ص ۴۵۵؛ جوادی، ۱۳۹۱، ص ۳۰).

بدن اولیا و اوصیای الهی محل رشد و تعالی روح و نفس مطهر ایشان بوده است و اهل بیت علیهم السلام با این ابزار خاکی، مراتب بالای کمال را پیموده‌اند. لذا نزد روح ملکوتی ایشان عزیزتر از این ابزار وجود ندارد. بنابراین توجه به مکان‌های آرام گرفتن بدن‌های ایشان، فرصت بسیار مغتنمی برای استفاده بیشتر و بهتر از روح عظیم و ملکوتی ایشان است؛ زیرا محل حضور ابدان مطهر، محل توجه خاص ارواح مطهر اهل بیت علیهم السلام خواهد بود که همان مشاهد مشرفه و قبور مطهره ایشان است. امام خمینی علیه السلام درباره چگونگی تأثیر زیارت می‌گوید:

استاد عارف کامل ما که سایه‌اش مستدام باد فرمود: ممکن است گفته شود که علاقه روح نسبت به بدن بعد از مرگ باقی است؛ زیرا بدن محل قرار و جایگاه رشد و پرورش او بوده است. من می‌گویم آنچه را که استاد فرمودند، محقق بزرگ میرداماد در رساله فارسی که منسوب به ایشان است راجع به سر زیارت اموات تذکر داده‌اند و آنچه من از آن نوشته به خاطر دارم این است که فرمود: برای نفس دو نوع علاقه نسبت به بدن وجود دارد: علاقه صوری و علاقه مادی. البته مرگ موجب قطع علاقه صوری می‌شود، لیکن علاقه مادی همچنان پایدار است و از همین جهت زیارت قبور تشریح و جایز شمرده شده است (موسوی خمینی، ۱۴۱۶، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ جوادی، ۱۳۹۱، ص ۲۸).

۱-۱-۵. ظهور ولایت تکوینی در زیارت

یکی از مهم‌ترین شئوناتی که اهل بیت علیهم السلام دارا هستند، شأن و مرتبه «ولایت تصرف» و یا «ولایت تکوینی» است که این فراز نورانی زیارت‌نامه جامعه کبیره: «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَآلِيَ اللَّهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۳) بدان اشاره دارد. از این شأن اهل بیت علیهم السلام با عنوان «ولایت کلیه الهیه» نیز یاد می‌شود.

فارغ از معانی و مصادیق گوناگون ولایت، یکی از مراتب ولایت، بلکه بالاترین مرتبه آن، همین ولایت تکوینی یا ولایت تصرف است که در نتیجه عمل به دستورها و احکام رسالت و نبوت در جان انسان کامل متبلور می‌شود. انسان کامل دارای ولایت تکوینی، قافله‌سالار و پیشوای هدایت و حقیقت و باطن انسان‌هاست و بر ضمایر موجودات و انسان‌ها مسلط می‌گردد و شاهد بر اعمال و حجت زمان می‌شود و اوست که اعمال ناقص و نیت‌های غیرکامل را کامل می‌کند و به هدف می‌رساند تا انسان‌ها به رشدهای گوناگون از جمله رشد اخلاقی برسند و در نتیجه قرب الهی را به دست آورند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱-۱۹۲).

«ولایت تکوینی» به معنای سرپرستی انسان‌ها، موجودات جهان و عالم خارج، و تصرف عینی داشتن در آنهاست که اولاً و بالذات منحصر در ذات «الله» است و ثانیاً و بالعرض به پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و انسان‌های کامل اسناد داده می‌شود. صاحب این ولایت است که با تسلط بر اعمال و نیات و باطن انسان‌ها و از جمله زائران خویش آنها را از گناهان و پلیدی آثار اعمالشان نجات می‌دهد و گره‌های رذایل اخلاقی را برای ایشان می‌گشاید و ساحت‌های بینشی، گرایش و توانشی نفس را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا زائر بتواند مراحل و منازل رشد اخلاقی را یکی پس از دیگری بپیماید و سرانجام به قرب الهی بار یابد.

۶. زیارت و ساحت‌های سه‌گانه نفسانی

همان‌گونه که بیان شد، سرچشمه ملکات نفسانی و افعال اختیاری انسان که بار ارزشی دارند، ساحت‌های نفسانی سه‌گانه بینشی، گرایشی و توانشی است؛ یعنی با تأثیرپذیری مناسب هریک از این ساحت‌ها و شکوفایی و اعتلای آنها ملکات نفسانی به سمت فضایل اخلاقی سوق می‌یابند و افعال اختیاری نیکو و پسندیده از انسان صادر می‌شوند. زیارت با تضعیف و کنترل و موانع رشد اخلاقی و نیز تقویت و ایجاد عوامل رشد در هر سه ساحت نفسانی، موجب شکوفایی و کسب کمالات اخلاقی در هریک از ساحت‌ها می‌شود و هدف متربی از رشد اخلاقی را تأمین می‌کند.

۱-۶. آثار بینشی زیارت

آثار بینشی، بخش مهمی از آثار زیارت‌اند که در طی انجام مناسک زیارت از طریق مطالعه و دقت در متون زیارتی به دست می‌آیند، این آثار به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم‌پذیرند که مختصراً به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۶. معرفت الله

شناخت و آگاهی، یکی از عوامل بینشی در تحصیل رشد اخلاقی است؛ زیرا بین شناخت و ایمان که سرچشمه ارزش‌های اخلاقی است، رابطه‌ای حقیقی و علی برقرار است؛ یعنی هر چه شناخت کامل‌تر باشد، ایمان نیز کامل‌تر خواهد بود و بالطبع ارزش‌های اخلاقی نیز از کمال بهتری برخوردار خواهند بود (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵). از بین اقسام معرفت، بالاترین و مؤثرترین معرفت که در مباحث اخلاقی به آن توجه و عنایتی خاص شده، معرفت‌الله است؛ زیرا ایمان به خدا که ریشه ارزش‌های اخلاقی است، بستگی تام به معرفت‌الله دارد؛ لذا معرفت‌الله اساس و سرچشمه همه ارزش‌های اخلاقی خواهد بود و هر راهکار و فعالیتی که معرفت‌الله را کامل کند و آن را ارتقا بخشد و رشد دهد، از راهکارهای با اهمیت در آراستگی نفس به فضایل اخلاقی و پیراستگی خلُق از رذایل اخلاقی است و افعال اختیاری را در رسیدن به حسن فعلی و فاعلی کمک می‌رساند.

متربی زائری که با زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام این فراز نورانی را زمزمه می‌کند: «مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۰۳). به این مطلب رهنمون می‌شود و در جان او این بینش تولید می‌گردد که اولاً شناخت الهی و معرفت‌الله متوقف بر شناخت اهل بیت علیهم السلام و امام معصوم مورد زیارت است؛ چراکه «لَوْ لَانَا مَا عُرِفَ اللَّهَ» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۱)؛ ثانیاً وحدانیت خداوند و شناخت تفصیلی و حقیقی نسبت به آن را باید از اهل بیت علیهم السلام آموخت؛ زیرا: «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۵) و «بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۵)؛ ثالثاً با مطالعه زیارت‌نامه جامعه کبیره و خواندن این مطلب که: «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۵)، می‌یابد که باید برای شناخت خدا به سراغ شناخت اسمای غیرلفظی و عینی و حقیقی خداوند که اهل بیت علیهم السلام باشند، برود؛ چنان‌که فرمود: «نحن والله الأسماء الحسنى - الذی لا یقبل من أحد إلا بمعرفتنا [قال فادعوه بها]» (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۲). بنابراین زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام راهکار و فعالیتی است که انسان را به دروازه‌های معرفت‌الله راهنمایی می‌کند (صدرالمতألهین، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۵۶).

۱-۲-۶. شناخت الگوهای برتر و حقیقت دین

در مجامع روایی درباره فضیلت زیارت اهل بیت علیهم السلام روایات فراوانی آمده است. برخی از این روایات برای بیان جایگاه زیارت در مقام مقایسه بین زیارت اهل بیت علیهم السلام مطرح گشته و بعضی دیگر از مناسک و اعمال عبادی مانند حج برآمده است تا از این رهگذر جایگاه، اهمیت و ارزش زیارت اهل بیت علیهم السلام تبیین شود. مثلاً در روایات فراوانی زیارت امام رضا علیه السلام و سیدالشهدا علیهم السلام با هزاران حج و عمره مقبول و مشکور مقایسه شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۸۵). از دقت در این روایات و تأمل در متون زیارتی، برای زائر شناختی نسبت به شخص مورد زیارت پدید می‌آید که موجب محبوبیت الگوهای کامل اخلاقی نزد زائر می‌شود و همچنین متربی را به کسب فضایل و کمالاتی که از زیارت محقق می‌شوند، ترغیب می‌کند.

زیارت و مطالعه متون و روایات زیارتی موجب می‌گردد تا متربی زائر متوجه این نکته شود که دین، حقیقت و مغزی دارد و همچنین دارای پوسته‌ای است. حقیقت دین را اهل بیت علیهم السلام که مصداق اتم و اکمل اسمای حسناى الهی هستند، تشکیل می‌دهند و سالک با عمل به دستورهای شریعت که پوسته دین است، تحت سرپرستی ولایت ایشان قرار می‌گیرد.

یادآوری و ذکر فضیلت زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام نسبت به حج، گویای این است که اهل بیت علیهم السلام و ولایت ایشان برتر از همه مناسک و اعمال عبادی شریعت است و تنها راه رسیدن به توحید و نبوت و رستگاری در حشر و معاد، ولایت امیرالمؤمنان علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان است؛ چون در حج هم توحید و هم نبوت و هم معاد متبلور است. لذا باید یادآور شد که آثار زیارت اهل بیت علیهم السلام از جمیع آثار حج بیشتر است؛ زیرا راه وصول به اصول اسلام و همه آنچه در حج تبلور می‌یابد، اهل بیت علیهم السلام هستند که ولایت و دستگیری ایشان در مسیر رشد اخلاقی و کارگشایی آن، محرز و حقیقی است؛ به‌گونه‌ای که امام علیه السلام در روایتی تمامیت حج را «لقاءالإمام» معرفی فرموده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۷۸). البته باید این نکته را یادآور شد که افضلیت زیارت اهل بیت علیهم السلام بر حج و عمره، از باب تقدم سلوکی نیست بلکه از باب تقدم رتبی است؛ یعنی اگر کسی بخواهد به ولایت اهل بیت علیهم السلام بار یابد و تحت سرپرستی ایشان قرار گیرد، راهی جز اطاعت مطلق و تمام نسبت به دستورهای ایشان ندارد که یکی از آنها به جا آوردن حج و عمره است؛ آن‌گونه که دستور داده‌اند.

اگر حج چنان‌که گفته شده «وَالْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ» (طبری املی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹)، مایه سکونت قلب، به‌منزله محل تولید ایمان و نیت صادقه، است، بنابراین یکی از راه‌های رسیدن به قلب سلیم و

درمان قلب‌های بیماری که بر اثر گناه آسیب دیده‌اند، زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام است که آثاری برتر و فراوان‌تر از حج و عمره مقبول و مشکور در جان مرتبی زائر باقی خواهد گذاشت.

۳-۱-۶. رفع شک و تردید

شک چنان‌که امیرالمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «الشک یهبط الایمان» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۴) ایمان را دچار آسیب می‌کند و با آسیب دیدن ایمان، ارزش‌های اخلاقی رنگ خواهند باخت. بنابراین رفتاری که شک و تردید را از جان مرتبی بزاید و در جهت تقویت ایمان به خدا و معاد و بقیه ارکان حقیقی و اصولی دین کارکردی مثبت داشته باشد، نتیجه‌اش رشد کمالات اخلاقی خواهد بود.

چنان‌که ذکر شد یکی از آثار زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام تقویت و ایجاد عوامل بینشی در جان مرتبی است که مقدمه آن، رفع موانع بینشی است. تردید زائر نسبت به جایگاه و مقام منبع امامت و دیگر معارف با حضور در کنار مشاهد مشرفه و مطالعه متون مأثور زیارتی کم‌رنگ می‌شود و بدین ترتیب شک که از مهم‌ترین موانع بینشی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۹۸)، آرام‌آرام رنگ می‌بازد. زائر با حضور در مشاهد مشرفه و قرائت زیارت‌نامه جامعه کبیره بیزاری خود را از کسانی که درباره اهل بیت علیهم السلام مشکوک هستند اعلام می‌دارد و می‌گوید: «وَبَرُّنْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمَنْ أَلْبَسْتِ الطَّاعُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزَبَهُمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَالْعَاصِيِينَ لِإِرْتِكُمْ وَالشَّائِكِينَ فِيكُمْ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۹۹). زائر با قرائت این فراز از دعای عالیة المضامین: «وَتَطَهَّرَ دِينِي مِمَّا يَدْنُسُهُ وَيَسْبِيهُ وَيَزْرِي بِهِ وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشُّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرْكِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۱۶۹) که خواندن آن پس از زیارت ائمه هدی علیهم السلام وارد شده است، از خداوند می‌خواهد تا یقین نسبت به معارف دینی و وحیانی را در قلبش قرار دهد و او را از رذایلی چون ریب و شک پاک گرداند که این طهارت طبعاً طهارتی تکوینی است که با فراهم آمدن طهارت ظاهری و شرایطش برای زائر حاصل می‌شود.

۲-۱-۶. آثار گرایشی زیارت

۱-۲-۶. محبت و نفرت

از جمله آثار گرایشی زیارت و از عواملی که با تقویت آن ملکات فاضله و افعال اختیاری ارزشی، بهتر شکل می‌گیرند، محبت و نفرت است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۹۹). افزایش و تقویت محبتی که خداوند بر اساس آیه «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ أَلَيْمَانٌ وَزَيْنَةٌ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ

وَالْفُسُوقَ وَالْأَعْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات: ۷۷)؛ در فطرت انسان‌ها قرار داده است، موجب می‌شود تا مرتبی در کسب فضایل اخلاقی و رفع و پاک‌سازی رذایل اخلاقی مسیری هموارتر را ببیند. اساساً خاصیت محبت این است که کلفت و سختی عمل تکلیفی را بر می‌دارد و شدت محبت نسبت به خدا و اولیای الهی انحصار تبعیت از ایشان یا همان عبودیت محض را به دنبال می‌آورد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷)؛ و موجب می‌شود تا فعل اختیاری ارزشی به سهولت از انسان صادر شود. با صدور افعال متعدد ارزشی همراه با نیت‌های متفاوت ارزشی، ملکات فاضله اخلاقی در نفس پدید می‌آید و رذایل اخلاقی تضعیف می‌شوند.

رابطه محبت و زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام و به‌ویژه رابطه زیارت و مودت که همان جاری شدن محبت در افعال و اعضا و جوارح انسان است، رابطه‌ای حقیقی و علی است؛ چراکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ امیرالمؤمنان علیه السلام که از آثار و برکات زیارت قبور ایشان برای زائرانشان پرسید، به این معنا اشاره می‌فرماید: «... يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَقَبْرَ وَلَدِكَ بَقَاعًا مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ ... وَ يُكْتَرُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲). آسان شدن تکالیف عبادی و برداشته شدن کلفت عمل از برکات زیارت و تقویت حب اهل بیت علیهم السلام در ساحت گرایشی نفس است که موجب جد و جهد سالک و مرتبی در پیمودن منازل سلوک می‌شود همچنین او را در پیراستگی از رذایل و آراستگی به فضایل کم‌آورد و کیفاً مدد می‌رساند؛ چراکه با شدت یافتن محبت نسبت به اسما و صفات واقعی الهی که اهل بیت علیهم السلام باشند، مرتبی آنها را که الگوهای کامل اخلاقی هستند محبوب خویش می‌داند؛ لذا در راه رسیدن به ویژگی‌ها و صفات نیکوی اخلاقی که در ایشان متبلور است از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد.

از دیگر برکات تقویت حب اهل بیت علیهم السلام که بر اثر زیارت ایشان در ساحت گرایشی نفس پدید می‌آید، برداشته شدن موانع و حجاب‌های ظلمانی گناهان خواهد بود؛ زیرا هر چه حب اهل بیت علیهم السلام در جان مرتبی تقویت شود، سالک و مرتبی چنان‌که گفته شده «أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حَسِينًا» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۲)، محبوب الهی می‌شود و کسی که محبوب الهی شود به تصریح آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱)؛ از غفران و آمرزش گناهان بهره‌مند می‌شود و از آثار ذنوب در ساحت‌های نفسانی رهایی می‌یابد.

بنابراین با زیارت اهل بیت علیهم السلام که از مصادیق مودت نسبت به ایشان است، محبت خدا و اولیای الهی در دل تقویت می‌شود و با تقویت محبت است که ایمان مرتبی زائر کامل می‌گردد و در پرتو ایمان کامل ارزش‌های اخلاقی به لحاظ کمی و کیفی تقویت می‌شوند.

۲-۲-۶. امید

«رجا یکی از مراحل سیر و سلوک است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۱). لذا شوق داشتن و امیدوار بودن نسبت به وصل مقامات معنوی و برخورداری از عنایات الهی، از آثار و عوامل رشد اخلاقی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۰۰). امید به تحقق اهداف اخلاقی نیز امید به اینکه امکان پاک‌سازی رذایل اخلاقی وجود دارد، از ارکان اساسی تهذیب و تزکیه اخلاقی است؛ زیرا بر اساس سخن امیرالمؤمنان علیه السلام که می‌فرماید: «... فَإِنَّ كُلَّ رَاجٍ طَالِبٌ، وَكُلُّ خَائِفٍ هَارِبٌ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۷)، متربی و سالکی به دنبال تهذیب نفس و آراستگی به فضایل اخلاقی است که رسیدن به رشد اخلاقی و ملکات فاضله را امید داشته باشد و امیدوار باشد که می‌تواند از رذایل نفسانی خویش جدا گردد.

انسان‌هایی که با هدف رشد اخلاقی و کسب موقعیت‌های معنوی، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی را دنبال می‌کنند، با امید به «رشد اخلاقی» و عنایات الهی در این راه گام می‌نهند؛ و چشم‌نیاز و امید به درگاه الهی و اولیای خدا می‌گشایند. لذا امید داشتن از عوامل تأثیرگذاری است که همواره باید در نفس متربی و سالک موجود باشد.

یکی دیگر از آثار زیارت در ساحت گرایشی، ایجاد امید و شوق نسبت به کسب مقامات معنوی و فضایل و ملکات فاضله اخلاقی است. مثلاً در زیارت سیدالشهدا علیه السلام از جمله ثمرات و نتایج زیارت آن امام شهید، قطع نشدن امید و رجا عنوان شده است: «... أَعْطِنِي بِزِيَارَتِي أَمَلِي وَرَجَائِي وَهَبْ لِي مَنَائَ وَتَفَضُّلًا عَلَيَّ بِسُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَأَفْضَلْ لِي حَوَائِجِي وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۶۱).

دانستن این مطلب که زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام برای انسان برکت، رحمت و حسن اجابت را به همراه می‌آورد، امید را در دل سالکی که از گناهان قلبی و رذایل اخلاقی رنج می‌برد زنده می‌کند و مقدمات ایجاد عزمی راسخ برای زدودن رذایل و فضایل اخلاقی را در نفس او فراهم می‌آورد. در زیارت وداعی که در منابع گوناگون روایی برای زیارت اهل بیت علیهم السلام ذکر شده، آمده است: «اللَّهُمَّ لِمَا تَجَعَّلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذَكَرِهِمْ وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ ... وَحَسِّنْ الْإِجَابَةَ...» (همان، ص ۱۰۱).

۲-۳-۶. دنیاگریزی

دنیاگرایی از موانع گرایشی رشد اخلاقی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۰۴). از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام و علمای اخلاق، ریشه همه رذایل اخلاقی به این گرایش که در وجود انسان قرار

داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۷) بازمی‌گردد. البته در روایات و آیات قرآن و نظرات علمای اخلاق مطلق دنیا مذمت نشده است؛ آنچه مذمت شده دنیاگرایی و تعلق هوای نفسانی و تمایلات حیوانی انسان به امور دنیوی است؛ وگرنه دنیا محل کسب و تحصیل برای آخرت است و متربی و سالک الی‌الله در گذر از دنیا مقامات و مراحل رشد اخلاقی را یکی پس از دیگری می‌پیماید (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۳۰).

دنیاگرایی طبق روایات از سنخ «حب» و میل و اشتیاق است که با عنوان «حب دنیا» مذمت شده است. در روایتی از امیرالمؤمنان علیه السلام آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَذِيَّةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۵).

لذا هرچه میل دنیاگرایی در وجود انسان تضعیف شود و دوستی خدا و دوستانش جای آن را پر کند انسان از رذایلی که زاینده این میل و گرایش هستند آزاد، و به فضایل متناسب با حب خدا و اولیایش مزین می‌شود.

برای تقویت میل دنیاگریزی و تضعیف گرایش دنیاگرایی می‌توان از شیوه‌هایی کمک گرفت که آثاری مستقیم بر این میل دارند. از جمله این شیوه‌ها، زیارت اهل بیت علیهم السلام و مشاهد ایشان است که حیات و ممات برای آنها یکی است. در روایتی که در تفسیر برهان و عیاشی ذکر شده، راوی به امام علیه السلام می‌گوید: هر وقت برای زیارت و دیدار شما می‌آیم، تا وقتی نزد شما حاضریم قلب ما از دنیا و دل‌بستگی‌های آن جدا می‌شود و وقتی از نزد شما خارج می‌شویم به دنیا و دل‌بستگی‌های آن میل پیدا می‌کنیم. امام علیه السلام می‌فرماید عیناً همین مطلب برای اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله رخ داده و رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرموده است: اگر بر این حالت که هنگام زیارت و حضور نزد ما دارید استقامت می‌ورزیدید و آن را حفظ می‌کردید و باقی می‌ماندید، برای شما کرامات و حالات مختلف معنوی محقق می‌شد؛ چنان‌که گویا با ملائکه مصافحه می‌کردید و بر روی آب راه می‌رفتید. البته باید یادآور شد که آنچه امام علیه السلام از کرامات مانند روی آب راه رفتن بیان می‌فرماید، آثار جانبی رشد اخلاقی است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۵۳).

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ السَّلَامَ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۴). لذا حیات و ممات اهل بیت علیهم السلام یکسان است و همان آثاری که برای دیدار و حضور نزد اهل بیت علیهم السلام در زمان حیات دنیوی ایشان محقق است، برای حضور و زیارت مشاهد منور و قبور مطهر ایشان در زمان ممات دنیوی نیز حاصل می‌شود.

۳-۶. آثار توانشی زیارت

ساحت توانشی که هم در تولید رفتارهای درونی یا اصطلاحاً جوانحی و هم در ایجاد رفتارهای بیرونی یا جوارحی منشأ اثر است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۲) برای ایجاد افعال ارزشی و ملکات فاضله اخلاقی در کنار دو بعد دیگر نفسانی یعنی ساحت بینشی و گرایش نقشی محوری دارد.

زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام به منزله روشی در فرایند تربیت اخلاقی برای رسیدن به رشد اخلاقی بر ساحت توانشی به ویژه بر کنش های درونی (جوانحی) تأثیر می گذارد، که این تأثیر به صورت شکل گیری، تقویت و ایجاد عوامل توانشی و یا تضعیف، کنترل و پاک سازی موانع توانشی عمل می کند و مربی را در رسیدن به رشد اخلاقی متناسب رهنمون می شود.

در این فصل اجمالاً به بعضی از این آثار و چگونگی عملکرد زیارت بر ساحت توانشی نفس در هر دو دسته افعال جوارحی و جوانحی اشاره می کنیم.

۱-۳-۶. ایمان

ایمان یکی از آثار زیارت و عوامل توانشی است (همان) و همان گونه که گذشت، ریشه و پایه ای اساسی برای ارزش های اخلاقی اعم از افعال اختیاری و ملکات فاضله اخلاقی خواهد بود، که با ایجاد و تقویت آن ارزش های اخلاقی در بعد ملکات در انسان شکل می گیرند و ردایل تضعیف می شوند و افعال اختیاری ارزشی از انسان صادر می گردند.

قرآن کریم نیز ریشه همه ملکات و فضایل اخلاقی را ایمان معرفی می کند و در مقابل ریشه همه ردایل را شرک می داند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴). بنابراین پرورش ایمان و ارتقای آن به درجات بالاتر ماحصلی جز آراسته شدن به نیکویی های اخلاقی و جدایی از پلیدی های اخلاقی برای انسان ندارد و از سویی تضعیف ایمان نیز ردایل و بی بندوباری های اخلاقی را در همه حوزه های ملکات نفسانی در پی خواهد داشت.

کارکرد ایمان بر شکل گیری ارزش های اخلاقی، از طریق تولید و تقویت انگیزه و نیت های صادقانه است؛ زیرا روح و حقیقت عمل را نیت تشکیل می دهد و از طرفی نیت وابستگی تامی به ایمان دارد. لذا اساس اخلاق را ایمان، به ویژه ایمان به مبدأ و معاد شکل می دهد (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۶۶). بنابراین برای رسیدن به رشد اخلاقی باید با تقویت و یا اصلاح ایمان به تقویت نیت و انگیزه کارهای اخلاقی پرداخت.

زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام برای رسیدن به رشد اخلاقی از جمله شیوه هایی است که علاوه بر ساحت بینشی و گرایش نفس، بر ساحت توانشی نیز اثر می گذارد و عوامل تأثیرگذار در این ساحت را

تولید و یا تقویت می کند و همچنین از تأثرات موانع توانشی در رسیدن به رشد اخلاقی می کاهد؛ زیرا یکی از مهم ترین عوامل توانشی و یا همان گونه که تبیین شد ریشه ارزش های اخلاقی که از آثار زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام می باشد، ایمان است.

در زیارت نامه ای که برای وداع نقل شده، بر این معنا صراحتاً تأکید شده است که کسی که زائر معصومان باشد و از جمله عارفان به امام علیه السلام، موجبین اطاعت امام علیه السلام و راغبان در زیارت امام معصوم علیه السلام باشد، از زیارت امام معصوم توشه ایمان را به ارمغان خواهد برد. در این زیارت نامه آمده است: «اللَّهُمَّ لَّا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ وَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَ أَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَ... وَ الْإِيمَانَ وَ حَسْنَ الْجَابَةِ كَمَا أَوْجِبْتَ لَأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ وَ الرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَ إِلَيْهِمْ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۱).

همچنین در فضیلت زیارت سیدالشهدا علیه السلام نیز به این مطلب اشاره شده است که زیارت و رغبت به آن نشانه محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام است و زیارت ایشان موجب استكمال ایمان می شود و طبیعتاً ایمان کامل، رشد اخلاقی کامل تری را به دست می دهد. در این روایت آمده است:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَعْرِضُ حُبًّا عَلَى قَلْبِهِ فَإِنَّ قَلْبَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ كَانَ لَنَا مُجِبًا فَلْيَرْغَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام زَوَّارًا عَرَفْتَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زَوَّارًا كَانَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶، ص ۱۹۳).

راز اینکه زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام و به ویژه سیدالشهدا علیه السلام موجب اکمال ایمان و در نتیجه فراهم شدن زمینه ای بهتر برای رشد اخلاقی می شود، این است که محبت اهل بیت علیهم السلام همراهی و معیتی جدانشدنی با ایمان دارد (خزرازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱۰).

۲-۳-۶. مغفرت

گناه یکی از موانع توانشی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۲۱)، و طبیعتاً چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «الاسْتِغْفَارُ دَوَاءُ الذُّنُوبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۵) مغفرت راهکاری است که این مانع را از مسیر مرتبگی سالک برمی دارد و در واقع از نخستین منازلی که سالک الی الله باید آن را ببیند و مدام در عین عبور از آن نسبت به منازل بالاتر در آن مقیم باشد، منزل دوری از گناه یا توبه است. مرتبگی باید در این مسیر ابتدا خانه دل و نفس خویش را از آثار گناهان که انحراف قلب را به همراه داشته اند، پاک کند تا بتواند در جهت پاک سازی نفس از ردایل اخلاقی و آراسته ساختن نفس به فضایل اقدام کند.

۴-۳-۶. یاد خدا و یاد اولیای الهی

یاد و ذکر خدا در رشد اخلاقی و تهذیب نفس جایگاهی روشن دارد؛ زیرا در روایتی از امیرالمؤمنان علیه السلام آمده است: «أصل صلاح القلب اشتغاله بذكر الله» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۸). جایگاه قلب و اصلاح آن به منزله محل تولید ارزش های اخلاقی و اساس و ریشه رفتارهای ارزشی انسان یعنی ایمان نیز واضح و مبرهن است.

ذکر و یاد خدا هم ظلمت های باطنی را رفع می کند و مایه شکوفایی فضیلت های نفسانی انسان است؛ زیرا «الذکر نور و رشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹)، و هم بیماری نفوس را التیام می بخشد، چراکه «ذكر الله دواء أعالل النفوس» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۹). همچنین فرموده اند: «بدوام ذکر الله تجاب الغفلة» (همان، ص ۳۰۰)؛ با مداومت بر یاد خدا بزرگ ترین عامل بیماری نفوس یعنی «غفلت» از صفحه نفس انسان پاک می شود و زمینه های لازم برای رسیدن به رشد اخلاقی فراهم می آید. یاد اولیای خدا که در رأس آنها اهل بیت علیهم السلام هستند، یاد خداست؛ چراکه «إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذَكَرَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۶) و چون یاد خدا و اولیای او از جمله عوامل توانشی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۱۴) لذا یاد اولیای خدا موجب آراسته شدن به فضیلت ها و پاکی از رذایل خواهد بود که از مصادیق بارز یاد اولیای الهی، زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام است.

زیارت مشاهد مشرفه از جمله شعائر الهی است که با دیدن مشاهد منور و گرمی داشت آنها و عرض ادب زائر نسبت به این آینه های تمام نمای الهی، زائر به یاد خدا می افتد و بیماری های قلبی او تسکین می یابند.

۵-۳-۶. قلب سلیم

انحراف قلب و قساوت آن از جمله موانع توانشی در مسیر رشد اخلاقی است (همان، ص ۴۲۲) که دیگر عوامل تأثیرگذار در سلوک را تحت تأثیر خویش قرار می دهد؛ زیرا همان گونه که گذشت، محل تولید انگیزه و نیت که حقیقت و روح عمل است در مرتبه قلب می باشد و زمانی که قلب دچار انحراف و بیماری قساوت باشد، نیت صادقه که افعال ارزشی و ملکات فاضله اخلاقی را در پی دارند، تشکیل نمی شوند و تربیت اخلاقی با مانع و عدم پیشرفت روبه رو می شود. بنابراین باید محل تولید نیت صادقه را به سبب آسیب هایی که از حب دنیا و گناهان به آن رسیده، درمان کرد؛ زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: «صاحبُ النِّبَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْدُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّبِيِّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا...» (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، ص ۵۳).

آمرزش گناهان یا مغفرت فرایندی است که اثر گناه را محو می کند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۴۱) و این کاری است بس مشکل؛ چراکه مرتبی نه از نوع حجاب های تاریکی که بر اثر گناه در نفسش حاصل آمده است خبر دارد و نه از چگونگی پاک سازی آنها؛ لذا مرتبی آلوده باید سراغ طبیعی حاذق رود تا علاوه بر طبابت، مظهر اسم طاهر و مظهر نیز باشد و با اراده و ولایت تکوینی خویش آنچه را در نفس مرتبی واقع شده بردارد و او را به سوی خدا راهنمایی و رهبری کند و امر ایصال الی المطلوب را که تنها از مقام منیع امامت و ولایت معصومین علیهم السلام ساخته است، به انجام رساند.

زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام یکی از شیوه هایی است که به تصریح روایات گوناگون، یکی از آثار و فوایدش غفران ذنوب و طبیعتاً محو آثار گناهان در نفس و جان مرتبی است تا او بتواند در مسیر سلوک گام نهد و زنجیرهای ناشی از اعمال ناشایست او را از سر راه بردارد؛ زیرا امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَزُورُنَا أَوْ يَزُورُ قُبُورَنَا إِلَّا غَشِيَتْهُ الرَّحْمَةُ وَ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۵۱). همچنین در زیارت وداع، یکی از جمله آثار زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام غفران و پاکی از گناهان و ذنوب برشمرده شده است. در این زیارت نامه می خوانیم: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذَكْرِهِمْ وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَ... كَمَا أَوْجِبْتَ لِلْأَوْلِيَاءِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۱).

۳-۳-۶. تقوا

یکی دیگر از عوامل توانشی که در تربیت اخلاقی نقشی محوری دارد و سالک و مرتبی در همه مراحل و منازل سلوک بدان نیازمند است و در رسیدن به رشد اخلاقی و شکوفایی خویش باید از آن کمک گیرد، تقوا و به عبارت دیگر، خویشتن داری است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۱۴).

تقوا صفتی است که با همه مراتب و منازل ایمان سازگاری و الفت دارد. بر اساس آیه «ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)، شاید بتوان گفت که مهم ترین مرتبه تقوا، تقوای قلوب است؛ چراکه قلب همان گونه که گذشت محلی است که نیت صادقه و انگیزه ها در آن شکل می گیرند و اعمال و افعال ارزشی انسان را می سازد.

تقوا همچنین یکی از آثار پربرکت زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام است. در زیارت وداع ائمه علیهم السلام که شیخ طوسی آن را نقل فرموده، آمده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذَكْرِهِمْ وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَ... وَالتَّقْوَى وَ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۱).

زیارت همچنین در بعد سلبی موانع بینشی را رفع و یا تضعیف می‌کند. مثلاً از مهم‌ترین موانع بینشی تردید نسبت به متعلقات ایمان است. شک ریشه در جهل دارد و خود موجب تزلزل ایمان و در نتیجه کارکردهای اخلاقی متربی می‌شود و او را از ارزش‌های اخلاقی تهی می‌کند و سرانجام رفع شک و تردید زمینه‌ساز شکوفایی و رشد فضایل اخلاقی می‌شود. از جمله آثار تکوینی زیارت بر اساس متون ادعیه، پاک شدن نفس زائر از شک و دودلی است که این اثر با توجه به عوامل دیگر می‌تواند عمیق و پایدار باشد و انسان را نسبت به ارزش‌های اخلاقی راغب‌تر سازد.

زیارت همچنین به عنوان روشی تربیتی- اخلاقی با تقویت و ایجاد عوامل رشد اخلاقی و رفع و تضعیف موانع رشد اخلاقی ساحت‌گرایشی نفس را نیز متأثر می‌سازد تا نفس به فضایل نیکوی اخلاقی آراسته گردد و از بدی‌های اخلاقی پیراسته شود. مثلاً زیارت به تصریح روایات از باب ابراز محبت و در واقع از مصادیق مودت است که موجب تقویت این عامل رشد در جان متربی می‌گردد و محبت به اولیای الهی محبت به خداست که از جمله مهم‌ترین دستگیره‌های ایمان به منزله ریشه ارزش‌های اخلاقی است. همچنین زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام موجب می‌شود تا حب دنیا که ریشه همه رذائل اخلاقی، و از موانع‌گرایشی در جان متربی است، تضعیف گردد تا ارزش‌های اخلاقی در جان شخص تقویت شود و به جوشش درآید.

زیارت مشاهد اهل بیت علیهم السلام علاوه بر اثرگذاری بر ساحت‌های بینشی و گرایشی، ساحت توانشی نفس را رشد می‌دهد. زیارت با آسیب‌زدایی از این ساحت و رفع موانعی که در این ساحت حضور فعال دارند و با تقویت و ایجاد عوامل تأثیرگذار بر این ساحت نفسانی، به رشد و شکل‌گیری فضایل اخلاقی و زدودن رذایل اخلاقی کمک می‌کند.

زیارت در تقویت ایمان به عنوان عامل اصلی در رشد اخلاقی و ایجاد نیات صادقانه ارزش‌های اخلاقی، نقشی محوری را در ساحت توانشی ایفا می‌کند و با زدودن موانعی چون قساوت قلب و افاضه قلب سلیم به متربی، زمینه‌ساز رشد فضایل اخلاقی است.

قلب سلیم قلبی است که از حب دنیا خالی باشد؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء: ۸۹). همچنین در روایت آمده است «قَالَ هُوَ الْقَلْبُ الَّذِي سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۴۰). لذا قلب سلیم قلبی است که علاقه به امور دنیایی به آن آسیبی نرسانده باشد و قلبی که به حب دنیا آلوده باشد، به همان میزان از حب خدا و حب اولیای الهی خالی خواهد بود و از این محبت به همان میزان بی‌بهره خواهد بود.

بنابراین کاری که موجب می‌شود بیماری قلب و به‌ویژه شدیدترین بیماری آن یعنی «قساوت قلب» (منسوب به جعفرین محمد، ۱۴۰۰ق، ص ۷۸) را درمان کند، از مهم‌ترین روش‌های تربیتی در تربیت اخلاقی و رسیدن به ملکات فاضله اخلاقی خواهد بود، و آنچه در مقابل «قساوت» است و قلب را از انحراف نجات می‌دهد، این است که قلب را «رحمت» الهی فرا گیرد؛ چنان‌که امام علیه السلام می‌فرماید «الْعَفْوُ، الْحَقْدُ، الرَّحْمَةُ، الْقِسْوَةُ، الْيَقِينُ، الشُّكُّ، الصَّبْرُ، الْجَزَعُ» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۵۰۰)، و بدین ترتیب «رحمت» را در مقابل «قساوت» تعریف می‌کند.

لذا یکی از اعمالی که نفس زائر و متربی را مشمول «رحمت» قرار می‌دهد، زیارت قبور و مشاهد مشرفه ائمه اطهار علیهم السلام است؛ زیرا در زیارت وداع آمده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذَكَرِهِمْ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالْخَيْرَ وَالرَّحْمَةَ وَ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۱)؛ «مَا مِنْ رَجُلٍ يَزُورُنَا أَوْ يَزُورُ قُبُورَنَا إِلَّا غَشِيَتْهُ الرَّحْمَةُ وَغَفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۵۱).

نتیجه‌گیری

زیارت یکی از راهکارها و روش‌هایی است که در فرایند تربیت اخلاقی موجب رشد اخلاقی می‌شود؛ یعنی اولاً در متصف شدن ساحت‌های نفسانی به ملکات فاضله مؤثر است و ثانیاً در اتصاف افعال اختیاری ارزشی حسن فعلی و فاعلی نقشی مثبت ایفا می‌کند.

زیارت در دو بعد ایجابی و سلبی در ساحت بینشی عمل می‌کند؛ مثلاً بعد ایجابی زیارت با تبیین راهکار کسب معرفت‌الله و آشنایی با اسما و صفات حقیقی و عینی خداوند و ایجاد نگرش نسبت به جایگاه امام مورد زیارت از طریق مطالعه و دقت در متون زیارت‌نامه‌ها حاصل می‌شود و آنچه را زائر و متربی درباره امام معصوم علیه السلام می‌داند اصلاح می‌کند و یا ارتقا می‌دهد و با ارتقای دانسته‌های متربی درباره شخص مورد زیارت که الگوی اخلاقی او نیز می‌باشد، ایمان به تبعش ارزش‌های اخلاقی‌اش تقویت می‌شود.

منابع

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دار المرتضویه.

ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.

احمدی میانجی، علی، ۴۲۶ق، *مکاتیب الأئمة*^{علیهم السلام}، قم، دار الحدیث.

انیس، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۲، *فرهنگ معجم الوسیط*، ترجمه بندر ریگی، چ چهارم، قم، اسلامی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات.

_____، ۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، چ دوم، قم، دار الکتب الإسلامی.

جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۷۸، *مراحل اخلاق در قرآن* (تفسیر موضوعی قرآن)، چ دوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۹ الف، *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*، چ هفتم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۹ ب، *حق و تکلیف در اسلام*، چ سوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۹ ج، *نسیم اندیشه دفتر سوم*، چ دوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۸ الف، *تسنیم تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۸ ب، *ادب فنای مقربان*، چ هفتم، قم، اسراء.

جوادی، مرتضی، ۱۳۹۱، *فلسفه زیارت و آئین آن*، چ هفتم، قم، اسراء.

خزاز رازی، علی بن محمد، ۴۰۱ق، *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، الدار الشامیة.

صدرالمتألهین، ۱۳۸۳، *شرح أصول الکافی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صدوق، محمد بن علی، ۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

صفا، محمد بن حسن، ۴۰۴ق، *بساتین الدرجات فی فضائل آل محمد*^{علیهم السلام}، چ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

طباطبائی، سید محمد حسین، ۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر، ۱۳۸۳ق، *بشارة المصطفی لشبعة المرتضی*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریة.

طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.

طوسی، محمد بن الحسن، ۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، بی جا، المطبعة العلمیة.

فقیهی، سید احمد، ۱۳۸۹، «طراحی الگوی دسته بندی روش های تربیت اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، سال دوم، ش ۱، ص ۴۵-۶۴.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *اصول الکافی*، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیة.

_____، ۴۰۷ق، *کافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم تربیت اسلامی*، زیر نظر محمد تقی مصباح، چ دوم، تهران، مدرسه.

مجلسی، محمد باقر، ۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

_____، ۴۲۳ق، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مصباح، محمد تقی، ۱۳۸۰، *اخلاق در قرآن*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۸۱، *فلسفه اخلاق*، تهران، چاپ و نشر بین الملل.

_____، ۱۳۸۶، *خودشناسی برای خودسازی*، چ سیزدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۰ الف، *آیین پرواز*، تلخیص: جواد محدثی، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۰ ب، *بسوی او*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۰ ج، *پند جاوید*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۰ د، *انسان سازی در قرآن*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۱ الف، *آفتاب مطهر*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۱ ب، *پندهای امام صادق*^{علیه السلام} *بهره جویان صادق*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۱ ج، *نظریه سیاسی اسلام*، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

_____، ۱۳۹۱ د، *ره توشه*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *امدادهای غیبی بشر*، چ دهم، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۰، *شش مقاله*، چ پانزدهم، قم، صدرا.

_____، ۱۳۸۵، *حکمت ها و اندرزها*، چ نوزدهم، تهران، صدرا.

مفید، محمد بن محمد، ۴۱۳ق، *الأمالی*، قم، کنگره شیخ مفید.

منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم^{علیه السلام}، ۴۰۰ق، *مصباح الشریعة*، بیروت، اعلمی.

موسوی خمینی، سید روح الله، ۴۱۶ق، *تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس*، قم، پاسدار اسلام.

میرداماد، میر محمد باقر، ۱۳۶۷، *القیسات*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

نوری، حسین بن محمد تقی، ۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت^{علیهم السلام}.